



## پول می گیرند تا نقش یک فرد را مهم و ویژه جلوه دهند

بعضی خبرنگاران رسانه‌های رسمی کم بودند حالا برخی آدمین‌های کانال‌های تلگرامی هم برای هوادار متمول پرسپولیس شروع به تبلیغات می کنند، البته نه آنگونه که شما تصور می کنید.

این فرد خارج نشین برای اینکه خودش را بسیار مهم و تاثیرگذار در همه امور باشگاه نشان دهد، به بعضی از کانال‌ها سفارش می دهد در قالب نقد دخالت‌هایش حتما نام او را مطرح کنند.

یکی از همین کانال‌های پر حاشیه که کار اصلی اش تبلیغات بت و سلیت‌های شرط بندی است اخیرا از این فرد چند هزار دلاری گرفته تا با مطرح کردن نامش عنوان کند او عامل دیر انتخاب شدن سرمربی پرسپولیس است!

شاید ابتدا خواننده تصور کند آنها در حال نقد این فرد هستند اما واقعیت کاملا وارونه است. اکثر این کانال‌ها با دریافت دلار و رمز ارز، به گونه‌ای کاملا هوشمندانه هر از گاهی نام این فرد را مطرح می کنند تا به هواداران پرسپولیس بقولانند هوادار متمول در راس همه امور باشگاه است! اما موضوع وقتی لو می رود که می فهمیم همه آنها در پس پرده با این هوادار خاص ارتباط بسیار خوبی دارند.

این تکنیک تبلیغ در کسوت نقد است که متأسفانه خیلی از هواداران بی آنکه متوجه شوند در دام این بزرگنمایی جعلی می افتند.

هر جا دیدید یک کانال تلگرامی یا حتی یک سایت ورزشی و خبرگزاری به هر بهانه‌ای نام این هوادار را مطرح کرد، تردید نکنید آنها در پس پرده با هم مرادده مالی دارند و در حال مهم جلوه دادن این فرد در تصمیمات باشگاه پرسپولیس هستند؛ یک اگر اندر سمان هوشمندانه که خواننده ناخودآگاه در ذهنش یک نقش بزرگ و آنچنانی به او می دهد!

### حاشیه

## شمشیر بازی؛ میدان نبرد تصمیمات کور



انتخاب محمد عبیدی به عنوان مدیر تیم‌های ملی شمشیر بازی، بیشتر از آنکه گرهی از مشکلات باز کند، سوالات تازه‌ای را پیش کشیده است. در روزگاری که مدیریت ورزش باید تخصص را در اولویت قرار دهد، انتصاب یک خزانهدار در جایگاه مدیریت تیم‌های ملی، گویای مسیری است که در آن رابطه‌گرایی بر شایسته‌سالاری پیشی گرفته است. علیرضا پورسلیمان، رئیس فدراسیون شمشیر بازی، در پاسخ به افشاکاری‌های اخیر محمد رهبری، مربی تیم‌های مسلحه سابر، درباره اختلافات و حواشی درونی تیم ملی، دست به اقداماتی زده که بیش از آنکه ترمیم کننده باشد، نشان از کنترل موقت بحران دارد. انتخاب عبیدی که تنها یک سال است به عنوان خزانهدار در فدراسیون حضور دارد و سابقه‌ای در شمشیر بازی ندارد، نشان می دهد فدراسیون به جای پرداختن به ریشه مشکلات، تنها به فکر حفظ ظاهر است.

نقش مدیر تیم‌های ملی، کلیدی است. او باید ناظر بر عملکرد ورزشکاران، پل ارتباطی میان مربیان و بازیکنان و طراح استراتژی‌های کلان باشد. این وظایف نیازمند تجربه، دانش فنی و اشراف به تاریخچه و شرایط رشته است اما آیا محمد عبیدی که پیشینه‌ای خارج از عرصه شمشیر بازی دارد، می تواند این مسؤولیت را به درستی انجام دهد؟ به نظر می رسد انتخاب او بیشتر از آنکه پاسخی به نیازهای فنی تیم باشد، تلاشی برای پر کردن جای خالی یک پست با کمترین هزینه ممکن است. این نخستین بار نیست که تصمیمات رئیس فدراسیون شمشیر بازی مورد انتقاد قرار می گیرد. از انتخاب بحث برانگیز کریستین بائو به عنوان مربی تیم ملی سسابر گرفته تا تعلق در تعیین سرمربیان، پورسلیمان نشان داده در بسیاری مواقع، تخصص را قربانی روابط شخصی و مصلحت‌های کوتاه مدت می کند. حالا هم انتخاب عبیدی که به نظر می رسد بیش از هر چیز به واسطه دوستی با رئیس به این مقام رسیده، بر همین روند مهر تأیید زده است.

انتظار می رود مدیر تیم‌های ملی، فردی باشد که با تجربه و اعتبار خود، نه تنها توانایی مدیریت بحران‌ها را داشته باشد، بلکه بتواند ورزشکاران را در مسیر درست هدایت کند اما عبیدی، حتی در مقام خزانهدار، نتوانسته تجربه‌ای در این عرصه به دست آورد که حالا شایستگی او برای مدیریت تیم‌های ملی را توجیه کند.

شمشیر بازی ایران، رشته‌ای با استعدادهای درخشان و سابقه‌ای پرافتخار، امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیریتی شفاف، تخصصی و متوجه است اما تصمیمات اخیر فدراسیون، نشان می دهد فنی و به این نیاز دارد. انتصاب افراد فاقد پیشینه فنی و اولویت دادن به روابط به جای شایستگی، مسیری است که آینده شمشیر بازی را با ابهام مواجه می کند.

در نهایت، سوال اصلی این است: آیا چنین انتصاب‌هایی می تواند مشکلات ساختاری این رشته را حل کند؟ یا اینکه شمشیر بازی، در سایه این تصمیمات غیر حرفه‌ای، به مسیر افول قدم خواهد گذاشت که انتهای آن، چیزی جز شکست نخواهد بود؟ پاسخ روشن است: ورزش شمشیر بازی، به جای تصمیمات سطحی و عجولانه، نیازمند بازگشت به مسیر تخصص و اعتماد به شایستگی است.



نقش ویژه موسیماه در ناکامی‌های این روزهای استقلال با تعطیلات گسترده

# غرق نجات غریق!

نبوده است.

به این ترتیب، استقلال در ۵۹ روز از ۸۸ روز حضور موسیماه، هیچ تمرین جدی و تاکتیکی‌ای انجام نداده است. این یعنی این تیم، تنها ۲۹ روز فرصت داشته تا زیر نظر موسیماه، تمرینات فنی و تاکتیکی انجام دهد. از این مدت نیز بخشی به شناخت ترکیب تیم و نفرات توسط سرمربی جدید اختصاص یافته و بخش دیگری به تمرینات بدنی و آماده‌سازی اولیه مربوط شده است. در نهایت، فرصت باقیمانده برای پرداختن به مسائل فنی و تاکتیکی بسیار محدود بوده است.

این آمار، به روشنی نشان می دهد انتقادهای پیشکسوتان و هواداران استقلال به عملکرد موسیماه، به خصوص درباره تعطیلات طولانی مدت، بی دلیل نیست. سرمربی آفریقایی استقلال، با تمام تجربه و افتخاراتش، زمان کافی را برای کارهای فنی و تاکتیکی اختصاص نداده است. تأثیر این بی توجهی را می توان در نتایج ناامیدکننده استقلال مشاهده کرد. تیمی که نه تنها در زمین به ثبات نرسیده، بلکه از لحاظ روحی و فیزیکی نیز آماده به نظر نمی رسد.

نکته دیگر این است که موسیماه، برخلاف انتظارها، نتوانسته بین استراحت بازیکنان و آماده‌سازی تیم تعادل

مجبور شد در یک نشست خبری از تصمیماتش دفاع کند. او با لحنی عجیب گفت: «در تعطیلات قهوه نمی خوردم و بازیکنان را رخصت می کردم. ما در این مدت نیز کار می کردیم». موسیماه همچنین تعداد زیاد مصدومان تیم و خستگی ناشی از مسابقات فشرده نیم فصل اول را دلایل اصلی تعطیلی طولانی تمرینات اعلام کرد. اگرچه این توضیحات، در کوتاه مدت هواداران را آرام کرد اما شکست استقلال مقابل شمس آذر قزوین، تیمی از قعر جدول، بار دیگر انتقادها را شعله ور کرد. در این بازی، استقلال حتی در ورزشگاه آزادی نیز شعارهایی علیه سرمربی آفریقایی اش شنید.

اما مساله فقط بازی یکی یا شکست نیست. آمار و ارقام مربوط به عملکرد موسیماه در ۸۸ روز حضورش روی نیمکت استقلال، به روشنی نشان می دهد انتقادهای چندان هم بی پایه نیست. طبق بررسی‌ها، موسیماه در این مدت، تمرینات استقلال را ۲۳ روز تعطیل کرده است. علاوه بر این، ۱۳ روز نیز به مسابقات رسمی اختصاص داشته است. روزهای قبل از مسابقه که معمولاً به تمرینات سبک و غرق گیری محدود می شوند، ۱۳ روز دیگر را شامل می شود. از سوی دیگر، استقلال در ۱۰ روز دیگر نیز صرفاً به ریکاوری پرداخته و خبری از تمرینات تاکتیکی سنگین

استقلال با موسیماه به ایستگاه یازدهم لیگ رسید

## بی خیال همه

بازیکن مورد علاقه خود به هر نحوی شده استفاده کند. نکته عجیب ماجرا این است که هر زمان از موسیماه در رابطه با مسعود جمعه سوال می شود، او طفره می رود و نمی خواهد به انتقادات بجای خبرنگاران منطقی پاسخ دهد؛ در حالی که مهاجم جدید استقلال با نظر سرمربی جذب شده و استقلال را از داشتن یک بازیکن موثر و سطح بالا محروم کرده است.

اما موسیماه باید پرسید طی ۳ ماهی که در ایران حضور دارد، چه تغییری به شکل و نتایج بازی‌های استقلال داده است که تیمش ۵ هفته نمی تواند برنده از زمین خارج شود و در تمام این مدت تنها به ۳ برد (حذفی و لیگ) رسیده است!

اگر قرار بر این بود که تیم جای پیشرفت کردن، هر روز بازیکن مورد علاقه خود به هر نحوی شده استفاده کند. نکته عجیب ماجرا این است که هر زمان از موسیماه در رابطه با مسعود جمعه سوال می شود، او طفره می رود و نمی خواهد به انتقادات بجای خبرنگاران منطقی پاسخ دهد؛ در حالی که مهاجم جدید استقلال با نظر سرمربی جذب شده و استقلال را از داشتن یک بازیکن موثر و سطح بالا محروم کرده است.



ورزشگاه آزادی که بعد از مدت‌ها میزبان لیگ برتر بود، برای استقلال خوش یمن نبود. آبی‌های پایتخت در نخستین دیدار این فصل در ورزشگاه همیشگی و خانگی خود پذیرای شمس آذر قزوینی بودند که سید مهدی رحمتی، سرمربی جدید خود و بازیکن اسبق حریف را برای اولین بار روی نیمکت خود داشت. با وجود اینکه استقلال حال و روز خوشی در تیم فصل اول نداشته جایگاه دهم هم نشان می داد این فصل برای آنها تمام شده است اما هواداران این تیم باز هم وفاداری خود را به اثبات رسانده و در سرمای شدید نخستین روز بهمن‌ماه خودشان را به استادپوم رسانده بودند.

در حالی که هواداران گمان می کردند استقلال از پس شمس آذر برمی آید و رحمتی تا به حال نتوانسته بود استقلال را ببرد اما ترکیب نه چندان خوب موسیماه، سرمربی آبی‌ها و نحوه بازی آنها که بی برنامه و بدون ارائه تاکتیک بود، خیلی زود صدای اعتراض آنها را بلند کرد. از دقیقه ۴۰ بازی هواداران شروع به شعار دادن علیه سرمربی و بازیکنان کردند.

هواداران هم می دانستند با این نحوه بازی که خسته کننده و بدون خلق موقعیت خاصی دنبال می شود، استقلال زور بردن تیم پانزدهم جدول را نخواهد داشت. شاید در بدترین حالت ممکن گمان می شد استقلال به پنجمین تساوی متوالی خود برسد اما دقیقه ۶۴ در حالی که استقلال‌ها با تعداد زیادی از بازیکنان در محوطه جریمه شمس آذر، بی حاصل حضور داشتند، تیم قزوینی با یک ضربه بوقلمون از غفلت بازیکنانی که منطقه محافظتی خود را ترک کرده بودند، به گل رسید. همین یک گل کافی بود تا مشخص شود استقلال دچار مشکلات عدیده‌ای است

افزایش ۱۰ درصدی بودجه باشگاهها

## سقف بودجه واقعاً کسک بود!

تعیین کرد که در ادامه ۱۰۰ میلیارد تومان به رقم اولیه ۲۲۵ میلیاردی اضافه شد. با اعمال برخی آپشن‌ها، این مبلغ حتی از ۵۰۰ میلیارد تومان نیز فراتر رفت. اکنون خبر رسیده سقف بودجه با یک افزایش ۱۰ درصدی دیگر روبه‌رو شده است، اتفاقی که معنایی جز بی اعتباری این قانون ندارد. به نظر می رسد فدراسیون حتی به تصمیمات خودش نیز پایبند نیست. فدراسیون این افزایش را بهانه‌ای برای تقویت تیم‌ها عنوان کرده است. گویی در ابتدا هدفی جز تضعیف تیم‌ها نداشته است! اما حالا تصمیم گرفته به شکل قطره چکانی بودجه‌ها را افزایش دهد. این در حالی است که از ابتدا مشخص بود تیم‌های ایرانی برای حضور در رقابت‌های آسیایی به بودجه بیشتری نیاز دارند. سوالات زیادی درباره این تصمیم مطرح است: آیا فدراسیون

با افزایش مجدد سقف بودجه باشگاه‌ها از سوی فدراسیون فوتبال، بار دیگر مشخص شد این دستورالعمل ضمانت اجرایی ندارد و تنها در حد یک شعار باقی مانده است.

هیات رئیسه فدراسیون فوتبال به تازگی تصمیم به افزایش ۱۰ درصدی سقف بودجه باشگاه‌ها گرفته است. این تصمیم نشان می دهد سقف بودجه در فوتبال ایران بیشتر جنبه نمادین دارد و به راحتی قابل تغییر و دور زدن است. نمونه بارز این مساله، شکایت باشگاه سپاهان به دادگاه حکمیت ورزش (CAS) است که در نهایت به محکومیت فدراسیون فوتبال منجر شد؛ زیرا قانون تعیین سقف بودجه از ابتدا بدون ضمانت اجرایی بود.

در آغاز فصل، فدراسیون بودجه‌ای معین برای باشگاه‌ها

نمی دانست بودجه اولیه

ناکافی است؟ اگر هدف ایجاد انضباط مالی بود، چرا حالا این تصمیم

نقض شده است؟ چه کسی

پیشنهاد افزایش بودجه را مطرح کرده است؟

آیا این تصمیم از سوی کارگروه نظارت بر قراردادهای بودجه یا فدراسیون خودسرانه آن را اتخاذ کرده است؟ این تغییرات مکرر و ناگهانی باعث ایجاد ابهامات و شائبه‌هایی شده است. فدراسیونی که در ابتدای فصل بر مواضع خود اصرار داشت، حالا به راحتی آنها را زیر پا گذاشته و این رفتار، اعتبار تصمیماتش را زیر سوال می برد.